

هدف کلی  
توانایی توضیح و تبیین نظام مندی جهان و نقد برخی دیدگاه‌ها درباره اتفاقی بودن جهان و حوادث داخل آن

اهداف جزئی

توانایی بیان لوازم علیت  
توضیح پیامد انکار علیت و لوازم آن  
توضیح معانی اتفاق و نقد و ارزیابی آنها

طراح: مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه

سال تحصیلی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹



## کدام تصویر از جهان؟

1- از نظر دموکریتوس چه چیزی سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است؟

«اتفاق» از کلماتی است که در گفت‌وگوهای روزمره همه اقوام و ملل کاربرد دارد. مردم برخی امور را «اتفاقی» و «تصادفی» می‌شمارند و برخی دیگر رانه. برخی از فیلسوفان نیز گاهی از واژه «اتفاق» استفاده کرده‌اند؛ مثلاً دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم‌ها و ذرات ریز تجزیه‌ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می‌کرده‌اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.<sup>1</sup>



1. تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۱، ص ۸۸.

1- دیدگاه برخی دانشمندان زیست شناس در مورد پیدایش موجودات را بیان کنید؟

2- چرا برخی از دانشمندان احتمال می دهند که پیدایش جهان کنونی ما اتفاقی بوده است؟

شکل دیگری از اتفاق که در دوره‌های اخیر مطرح شده، در گفته‌های برخی دانشمندان زیست شناس، آمده است (آنان<sup>۱</sup> می گویند: از ابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین، جانداران بی شماری پدید آمده اند که بیشتر آنها، به علت ناسازگاری با محیط زندگی، از بین رفته اند. فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی آنها «اتفاقاً» سازگار با محیط بوده به حیات خود ادامه داده، رشد کرده اند و تکثیر شده اند.)<sup>۱</sup>

2 (همچنین برخی از دانشمندان احتمال می دهند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، پراثر یک انفجار بزرگ - مه بانگ<sup>۱</sup> - آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است. این بیان باعث شده برخی تصور کنند پیدایش این جهان، اتفاقی و بدون یک علت وجوددهنده بوده است.)<sup>۲</sup>

نظر شما در این باره چیست؟

آیا واقعاً حوادثی سراغ دارید که به صورت اتفاقی و تصادفی رخ داده باشد؟

آیا ضرب المثل «دری به تخته خورد و فلانی به ثروت رسید» می تواند بیانگر نوعی اتفاق در جهان باشد؟

تعریف شما از اتفاق چیست؟

3- یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان در باره مفاهیم عامیانه چه بوده است؟

4- مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا چیست؟ الهیات شفا

5- ابن سینا در کتاب الهیات شفا در باره چه مفاهیمی سخن گفته است؟ اتفاق و شانس

<sup>۳</sup> (یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها بوده است.)<sup>۳</sup> ابن سینا که خود این دقت را دارد و آن را از وظایف فیلسوفان به شمار می آورد، در مهم ترین کتاب فلسفی خود، یعنی «الهیات شفا»<sup>۲</sup>، درباره «اتفاق» و مفاهیم دیگری از قبیل «شانس» سخن گفته و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید. از همین رو، لازم است که ما نیز در ادامه بحث علیّت، نظری به مفهوم «اتفاق» بیندازیم و از جنبه فلسفی درباره آنها بحث کنیم؛ به خصوص که امروزه مفهوم اتفاق نه تنها نزد عامه مردم بلکه بر زبان برخی دانشمندان نیز جاری می شود.

قبل از ورود به بحث «اتفاق»، برخی از آثار و نتایج اصول مربوط به علیّت را که در درس قبل مطرح شدند، توضیح می دهیم:

۱. Bigbang

۲. شفا، بخش الهیات، مقاله ششم، فصل پنجم و مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۷ (درس های الهیات شفا)، ص ۳۵۶ و مابعد الطبیعه ژان وال، ص ۸۷۷.

1- پذیرش اصل علت چه نتایجی در پی دارد؟

2- اصل وجوب بخشی علت به معلول، جهان را تابع چه رابطه ای نشان می دهد؟ با ذکر مثال توضیح دهید؟

3- اصل سنخیت علت و معلول چه نتایجی را در پی دارد؟

1

1 پذیرش اصل «علیت»، زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیای پیرامونی است. با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم و با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن بر می آییم. 1

2

2 اصل «وجوب بخشی علت به معلول»، جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد؛ به گونه ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود و وجود آن، وجوب پیدا می کند. باغبان بر همین اساس بذر می کارد و آن را آبیاری می کند و راننده با همین مبنا خودرویش را روشن و به جلو هدایت می کند. 2

3

3 اصل «سنخیت میان علت و معلول»، نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود. کشاورز، صنعتگر، طبیب و هر کسی که در یک کار خاص وارد شده و برای آن برنامه ریزی کرده، متوجه همین اصل بوده است، گرچه عبارت «سنخیت میان علت و معلول» به گوش او نرسیده باشد. 3

نکات مهم

لازمه و نتیجه اصل

اصل

- 1 ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن
- 2 تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی
- 3 نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها

- 1 اصل علیت
- 2 اصل وجوب بخشی علت به معلول
- 3 اصل سنخیت میان علت و معلول

بررسی

اگر کسی به طور جدی در هر یک از این اصول سه گانه و نتایج آن تردید داشته باشد، تبعات این تردید او چه خواهد بود؟  
اگر کسی اصل علیت را انکار کند، نباید انتظار داشته باشد که با خوردن آب عطش او برطرف گردد. نباید با دیدن یک پدیده کلمه «چرا» بگوید، تحقیق و جستجوی علمی را باید کنار بگذارد و دست خود را نباید تکان بدهد و در حقیقت، دست به هیچ کاری نباید بزند.  
الف) انکار اصل اول یا تردید در آن: .....

اگر کسی اصل وجوب بخشی علت به معلول را انکار کند، مانند این است که خود اصل علیت را انکار کرده است و تأثیری برای علت قائل نشده است و بودن و نبودن علت برای او یکسان است و در واقع ب) انکار اصل دوم یا تردید در آن: علت نقش واقعی در پیدایش معلول خود ندارد. ....

ج) انکار اصل سوم یا تردید در آن: .....

اگر کسی اصل سوم (سنخیت) را نپذیرد، علاوه بر موارد بالا، نمیتواند هیچ حادثه ای را پیش بینی کند و نمیتواند از هر موجودی آثار و لوازم خاص آن را انتظار داشته باشد و نمیداند که برای پیدا کردن علل حوادث، در کدام زمینه به جست و جو بپردازد

1- معانی اتفاق را نام ببرید و هر کدام را با ذکر مثال توضیح دهید؟ ← میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد

← ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید

← نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است

← رخ دادن حادثه پیش بینی نشده

## معانی اتفاق

اتفاق در معانی زیر به کار می‌رود:

توضیح معنای اول

(معنای اول اتفاق این است که میان حوادث جهان و پدیده‌های آن هیچ رابطه ضروری نیست؛ مثلاً چه بسا همه

توضیح معنای اول

عوامل پیدایش باران موجود باشد، اما باران نیارد و چه بسا مثلاً بدون وجود ابر و مانند آن، خودبه‌خود باران بیارد.)

توضیح معنای دوم

(معنای دوم اتفاق این است که سنخیتی میان اشیا و آثار آنها نیست. چه بسا که از یک پدیده‌ای اثری ظاهر شود

توضیح معنای دوم

که هیچ ربطی به آن ندارد؛ مثلاً حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود.)

توضیح معنای سوم

(معنای سوم اتفاق، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام‌ها

توضیح معنای سوم

به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی‌روند.)

توضیح معنای چهارم

(معنای چهارم اتفاق عبارت است از رخ دادن حوادث پیش‌بینی نشده. به طور مثال، شخصی برای خرید به

فروشگاهی مراجعه می‌کند و دوست خود را هم در آن فروشگاه می‌بیند، بدون اینکه قبلاً از آمدن دوستش خبر

توضیح معنای چهارم

داشته باشد و آن را پیش‌بینی کرده باشد.)<sup>۱</sup>

## اظهار نظر

به نظر شما کدام یک از معانی فوق کمتر امکان‌پذیر است و کدام، بیشتر؟

معنای اول، دوم و سوم اتفاق را همه فیلسوفان مسلمان و برخی از فیلسوفان غیر مسلمان که

به عله العلل معتقدند را انکار می‌کنند، اما معنای چهارم اتفاق که بی‌ارتباط با اصل علیت

نیست بیشتر امکان‌پذیر است

2- چرا همه فیلسوفان معنای اول اتفاق را انکار کرده‌اند؟

3- چرا برخی مردم می‌پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد؟

الف) بررسی معنای اول اتفاق: بنابر مباحث گذشته، فیلسوفی را سراغ نداریم که به‌طور صریح و روشن با

معنای اول اتفاق موافق باشد<sup>۲</sup> همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می‌کنند و می‌گویند چون هر معلولی به علت

نیاز دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول آن است، نمی‌شود که میان حوادث رابطه‌ای ضروری برقرار

نباشد. اگر عوامل پیدایش باران وجود داشته باشد حتماً باران خواهد بارید.<sup>۲</sup>

البته<sup>۳</sup> برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، گاهی فکر می‌کنند که در برخی موارد، در عین

وجود علت، معلول آن پدید نیامده است و بر این اساس، می‌پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد.<sup>۳</sup>

توضیح: (در مواردی که معلول، از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید، هریک از عوامل را «علت ناقصه» و

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۷، ص ۳۵۶.

4- علت ناقصه و علت تامه را با ذکر مثال توضیح دهید؟

1- چرا از نظر بسیاری از فلاسفه معنای دوم اتفاق، (سنخیتی میان علت و معلول وجود ندارد) امکان پذیر نیست؟

2- فردی که اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار می کند، دچار چه مشکلاتی می شود؟

مجموعه عوامل را «علت تامه» می نامند؛ مثلاً نوشتن روی کاغذ معلول عواملی از قبیل انسان، قلم، گرفتن قلم دست، اندیشه کردن، اراده کردن و حرکت دست می باشد و نوشتن وقتی محقق می شود که همه عوامل دخیل در آن موجود باشند. حتی اگر یک عامل هم نباشد، مثلاً انسان باشد، اما اراده نکند، نوشتن پدید نخواهد آمد. حال، ممکن است برخی افراد بدون توجه به «اراده کردن» چنین تصور کنند که همه عوامل نوشتن وجود دارد ولی نوشتن صورت نگرفته است و در نتیجه تصور کنند که میان علت و معلول آن، رابطه ضروری برقرار نیست.

ب) بررسی معنای دوم اتفاق: اتفاق به این معنا نیز از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست؛ زیرا قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سنخیت علت و معلول را به دنبال دارد. آنان می گویند اگر کسی واقعاً اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد؛ مثلاً نمی تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع عطش رابطه ای مشاهده نمی کند.

علاوه بر این (چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها تشویق نماید. در حقیقت، انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و بی اعتنایی به آنها را به دنبال دارد و متناقض با یک هستی نظام مند و قانونمند است.

ج) بررسی معنای سوم اتفاق: اثبات یا نفی اتفاق به معنای سوم نیازمند دقت و تأمل بیشتر است.

پذیرفتن این معنای اتفاق، نفی «علت نخستین جهان» و «آفریننده» را به دنبال دارد (زیرا غایتمند بودن جهان بدان معناست که مجموعه حوادثی که در جهان رخ می دهد، هدف و غایت معین و از پیش تعیین شده ای را دنبال می کند و قبول این غایتمندی فقط با قبول علت نخستین و علت العلل، یعنی قبول آفریننده امکان پذیر است). به همین جهت فلاسفه نسبت به این معنای اتفاق به دو دسته تقسیم شده اند:

1 آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. به عبارت دیگر: جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می شود.

2 اما آن دسته از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را نیز انکار می کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین شده نبوده است.

معنای سوم اتفاق: نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است

3- چرا پذیرفتن معنای سوم اتفاق، نفی علت نخستین جهان و آفریننده را به دنبال دارد؟

4- در رابطه با معنای سوم اتفاق، فیلسوفان به دو دسته تقسیم شده اند، عقیده هر کدام را توضیح دهید؟

دیدگاه این دو دسته فلاسفه را با یکدیگر مقایسه کنید و ببینید کدام یک امتیازات بیشتری دارد؟ کسی که خدا را قبول دارد، می تواند برای جهان یک نقشه از پیش تعیین شده و یک هدف و غایت قائل شود؛ اما کسی که خدا را قبول ندارد نمیتواند برای جهان نقشه و هدف تعیین کند. . . . . کسی که برای جهان نقشه و هدف قائل است، میدانند که حوادثی که در جهان خلقت رخ میدهد، اتفاقی نیست؛ بلکه برای آن است. در نهایت و پایان، به آن هدف نهایی مورد نظر خالق منجر شود. . . . . اما کسی که جهان را دارای نقشه و هدف نمیداند حوادث را صرفاً اتفاقاتی میدانند که به جایی نخواهد انجامید. . . . . در نتیجه، دو رفتار متفاوت از این دو نگرش به دست می آید. کسی که برای جهان نقشه و هدف قائل است می کوشد آن هدف و نقشه را بشناسد و در مسیر آن نقشه و هدف عمل کند. اما کسی که جهان را هدفمند نمیداند، هر چه که به فکر خودش بیاید، آن را هدف قرار میدهد و یا اینکه نگاهی ناامیدانه و مأیوسانه به جهان پیدا میکند و به نیهیلیسم و پوچ گرایی می رسد

**د) بررسی معنای چهارم اتفاق (معنای چهارم اتفاق، همانی نوزدهم است) رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است.** این معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. بنابراین کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است. همان طور که در مثال مربوط به این معنای اتفاق گفته شد، چون شخصی که برای خرید به فروشگاه می رود، از خارج شدن دوستش از خانه و تصمیم دوستش برای آمدن به فروشگاه اطلاعی ندارد، نمی تواند پیش بینی کند که دوستش را در فروشگاه خواهد دید. و الا براساس قاعده علیت و لوازم آن، مجموعه تصمیم ها و حرکت های این شخص و دوستش سبب شده که آنها یکدیگر را در فروشگاه ببینند و از احوال یکدیگر باخبر شوند.<sup>1</sup>

1- توضیح دهید که کدام یک از معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست؟

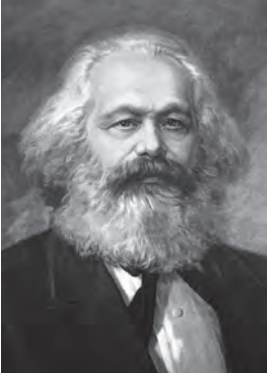
### برای مطالعه

کارل مارکس، فیلسوف آلمانی قرن نوزدهم، با اینکه به علل برای جهان و خداوند اعتقادی نداشت، در عین حال می خواست نوعی غایتمندی و حرکت تکاملی پدیده ها را نیز بپذیرد. گویا احساس می کرد که نفی غایتمندی برای جهان و پدیده های آن دامن انسان و جامعه انسانی را می گیرد و انسان را به موجودی بی ارزش تبدیل می کند. از این رو، تلاش کرد از طریق دیگری اصل تکامل و غایتمندی را در طبیعت و حیات انسانی توضیح دهد. او می گوید، در هر پدیده ای دو وجه مخالف و متضاد با یکدیگر هست که با هم در نزاع اند. یک وجه پدیده ها را «تر<sup>۱</sup>» و وجه مخالف آن را «آنتی تر<sup>۲</sup>» نامید و معتقد بود که نزاع این دو مانند جنگ میان دو گروه، به حالت سومی منجر می شود که «سنتز<sup>۳</sup>» نامیده می شود و نتیجه نزاع «تر» و «آنتی تر» است. «سنتز» مرحله ای کامل تر را رقم می زند و آن پدیده را وارد مرحله برتری می کند. در مرحله جدید، باردیگر همین سنتز، خود به «تر» تبدیل می شود و در کنار آن «آنتی تر»ی جدید قد علم می کند و نزاعی تازه و در سطحی بالاتر به وقوع می پیوندد که نتیجه آن نیز «سنتز»ی جدید، برتر و کامل تر از سنتز قبل است. بدین ترتیب، حرکت تکامل طبیعت و انسان شکل می گیرد و پیش می رود.

۱. Thesis

۲. Antithesis

۳. Synthesis



کارل مارکس، فیلسوف و متفکر اجتماعی قرن نوزدهم، سال ۱۸۱۸ در آلمان به دنیا آمد. او پایه گذار مکتبی فلسفی و اجتماعی شد که به نام خودی، مارکسیسم نامیدند. این مکتب، در قرون نوزدهم و بیستم دست‌مایه جنبش‌های اجتماعی بزرگ و انقلاب‌های متعددی در سراسر جهان شد. بزرگ‌ترین انقلاب مارکسیستی در روسیه تزاری و کشورهای اطراف آن رخ داد که به پیدایش کشور اتحاد جماهیر شوروی منجر شد. اما این کشور بیش از ۷۰ سال دوام نیاورد و در سال ۱۹۹۱ میلادی از هم پاشید.

سؤالی اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است: اگر بپذیریم که در همه پدیده‌ها و حرکت‌ها ردپایی از «تز» و «آنتی تز» هست و نزاع و جنگ عامل حرکت است، (که چنین نیست) چرا و به چه علت باید «سنتز» که نتیجه این نزاع است، همواره کامل‌تر و برتر از مرحله قبل باشد؟ آیا کسی هست که این تصمیم را گرفته و نقشه‌ای را که خودش طراحی کرده پیاده می‌کند؟ یا بر حسب اتفاق این حرکات تکاملی شکل می‌گیرد؟ هیچ دلیلی در کار نیست که بگوییم بنابر آن دلیل، نزاع تز و آنتی تز حتماً باید امر کامل‌تری باشد. آری، بدون قبول یک مدبر با علم و حکمت نمی‌توان برای جهان یک فرایند تکاملی در نظر گرفت.

۱- نظر دموکریتوس با معانی دوم و سوم اتفاق سازگار است، یعنی هم اصل سنخیت را نفی میکند و هم غایتمندی میان پدیده‌ها را

نظر به مربوط به تکامل زیستی موجودات نیز با معانی دوم و سوم اتفاق سازگار است و منجر به انکار اصل سنخیت و غایتمندی میشود؛ زیرا تغییرات عالم طبیعت، هیچ کدام اتفاقی نیست و هر تغییری ناشی از عوامل خاصی است

### به کار ببندیم

۱ در ابتدای درس، حوادث و پدیده‌هایی ذکر شد که به نظر برخی، مصداق اتفاق هستند. به نظر شما هر یک از این نمونه‌ها با کدام معنا از معانی اتفاق تناسب دارند؟

۲ آیا می‌توان بدون یک علت بالذات یا علة‌العلل، که در ادیان الهی آن را «خدا» می‌نامند، «اتفاق» به معنای سوم را مردود دانست؟

خیر، بدون قبول یک علت و خالق حکیم و دارای علم، نمیتوان این معنای اتفاق را مردود دانست

۳ پذیرش «اتفاق» به معنای دوم و سوم چه تأثیری در اندیشه و تفکر و سبک زندگی یک فرد دارد؟

اگر کسی واقعا و جدا هم این دو معنای اتفاق را بپذیرد، نمیتواند هیچ تصمیمی در طول روز بگیرد و هیچ هدفی را برای خود تعیین کند. چون انجام هر تصمیمی مبتنی بر قبول اصل سنخیت علت و معلول است و تعیین هر هدفی نیز مبتنی بر هدفمندی انسان و جهان میباشد

۴ ضرب‌المثل زیر کدام معنای اتفاق را رد می‌کند؟ چرا؟

گندم از گندم بروید جو ز جو ناظر بر نفی اتفاق به معنای دوم است. مصرع، گندم از گندم بروید جو ز جو، بیان کننده اصل سنخیت در علت و معلول است و روشن میکند که هر چیزی از هر چیزی پدید نمی‌آید، بلکه از هر علت خاص، معلول خاص آن بروز میکند

۵ شعر زیر انکار کدام معنای اتفاق است؟

از جمادی مردم و نامی شدم	وز نما مردم به حیوان برزدم
مردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر	تا برآرم از ملائک پر و سر

ناظر بر نفی اتفاق به معنای سوم است، زیرا این ابیات مثنوی مولوی بیان کننده حرکات غایت‌مندانه و هدفدار در جهان است و نشان می‌دهد که گیاهان و حیوانات و انسانها به صورت اتفاقی پدید نیامده اند بلکه هر یک از این موجودات حلقه ای از حلقه های نظام خلقت و تکمیل کننده یکدیگر هستند